

مقایسه تطبیقی ادبیات کودکان در زبان اردو و فارسی در دوران معاصر

عثمان محسن بهٹی

دانشجوی دکتری، بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جی سی- لاهور
دکتر غلام اکبر

دانشیار، بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جی سی- لاهور

Abstract:

One of the issues that has always been of interest to poets and writers is the focus on matters related to children and adolescents in their works. This has led to the emergence of a branch of literature known as "Children's and Adolescent Literature." The present research aims to conduct a comparative analysis of the content of children's and adolescent literature in Persian and Urdu poetry. This study has gathered information using a library-based approach and has analyzed it descriptively and analytically. The findings reveal that, in both Urdu and Persian, poets and writers have sought to reflect ethical and educational issues in their works, presenting them in a child-friendly manner that is enjoyable for young readers.

Keywords: Children's and Adolescent Literature, Poetry, Persian Literature, Urdu Literature.

چکیده

یکی از مسائلی که همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است، توجه به مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان در آثارشان است که همین امر منجر به پیدایش شاخه‌ای در ادبیات با عنوان «ادبیات کودک و نوجوان» گردید. پژوهش حاضر به دنبال این است تا به مقایسه تطبیقی محتوای آثار ادبیات کودک و نوجوان در اشعار فارسی و اردو بپردازد. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای مطالب را جمع آوری نموده است و به شیوه توصیفی-تحلیلی به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در هر دو زبان اردو و فارسی، شاعران و نویسندگان به دنبال بازتاب مسائل اخلاقی و تربیتی در آثارشان بوده‌اند و این موارد را در قالبی کودکانه و به شیوه‌ای که خوشایند آنها باشد، بیان کرده‌اند.

واژگان کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، شعر، ادبیات فارسی، ادبیات اردو.

مقدمه

ادبیات کودک گاهی به معنای مجموعه‌ای از سروده‌ها، نوشته‌ها و گفته‌های ویژه کودکان در زمینه‌های غیر درسی است و گاهی نیز به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که برای مطالعه نوجوانان جهت سرگرمی و آموزش تهیه شده است (جلالی، 1389). به طور کلی می‌توان گفت که هدف اصلی ادبیات کودک، آموزش و لذت است. در کنار این هدف، اهداف دیگری نیز می‌توان برای ادبیات کودک تصور کرد. خواندن کتابها باید یاریگر کودک در درک لذت شناخت واقعی کتاب، توسعه مهارت‌ها، تقویت ارتباطات اجتماعی، ایجاد انگیزش نسبت به مطالعه بیشتر و گسترش خیال باشد.

در یک تقسیم بندی کلی، می‌توان ادبیات کودک را به دو بخش نوشته (داستان، افسانه، شعر، نمایشنامه و ...) و ادبیات نا نوشته (افسانه، شعر، مثل و برخی از بازی‌های کلامی) تقسیم کرد. ادبیات نا نوشته پویا تر، انسانی تر و صمیمی تر است و ادبیات نوشته، ظریف تر، فصیح تر و رساتر است. کاملاً مشخص است که ادبیات نانوخته، بسیار کهن تر از شکل دیگر است؛ زیرا زبان خیلی قبل تر از خط اختراع شده است (حجازی، 1385). پژوهش حاضر به دنبال این است تا اشعار کودکانه زبان فارسی و اردو در دوران معاصر را مقایسه کند.

بحث و بررسی

بررسی شاعران حوزه ادبیات فارسی

الف: ناصر کشاورز

ناصر کشاورز، در سال 1341 شمسی در تهران به دنیا آمد و در پنج سالگی به همراه خانواده اش به دامغان رفت. تحصیلات ابتدایی تا مقطع متوسطه خود را در شهر دامغان گذراند و در سال 1367 در رشته صنایع در دانشگاه پذیرفته شد، ولی پس از یک ترم انصراف داد و همه ی وقتش را به ادبیات کودک اختصاص داد. وی شعر کودک را با همکاری مجله کیهان شروع کرد. مجله کیهان در آن روزها، جلسات شعری داشت که اکثر شاعران کودک در آن حضور داشتند. اولین شعر او در سال 62 در مجله کیهان چاپ شد. او اولین کتاب خود را با عنوان «من و مرغابی‌ها» در سال 1365 منتشر کرد. وی در استفاده از طنز تکنیکهای مختلفی دارد که برخورد نمادین با پدیده ها از جمله این ویژگی هاست؛ برای نمونه وقتی می‌خواهد پدیده های مذهبی را برای کودکان مطرح کند، به صورت طنز آن را برای پذیرش کودکان بیان می‌کند (اسحاقی، 1395: 22).

ب: عباس یمینی شریف

عباس یمینی شریف از نخستین شاعران و نویسندگان کودکان، ایران در سال ۱۲۹۸ ش. در پامنار تهران زاده شد. در پنج سالگی به همراه خانواده خود به دهکده دربند در نزدیکی تهران رفت. او را در همان جا به مدرسه و مکتب سپردند. زندگی در روستا، از سویی یمینی شریف را به دوستی با طبیعت گیاهان و جانوران برانگیخت و از دیگر سو، رفتار

خشن و خشک مریبان مدرسه و مکتب روستا نشان خود را تا پایان زندگی در روح کودکانه او باقی گذارد (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴، ج. ۶: ۷۸۵).

ج: مصطفی رحماندوست

رحماندوست در نخستین روز تیرماه ۱۳۲۹ در همدان متولد شد. کلاس پنجم بود که به استعداد شاعری خود پی برد و اولین شعرش را در وصف مسافری که در حمام دیده بود، سرود. نخستین شعرهایی که رحماندوست به خاطر سپرد مثنوی مولوی بود که به وسیله ی مادرش با آن آشنا شد در دبیرستان به تشویق پدر مدتی دروس حوزوی خواند. سال ۱۳۴۹ پس از گرفتن مدرک دیپلم در رشته ی ادبی به تهران رفت، دوره ی کارشناسی خود را در رشته ادبیات در دانشگاه تهران گذراند و سال ۱۳۵۲ فارغ التحصیل شد. او سه سال بعد، به استخدام کتابخانه ی مجلس در آمد و دو سال ونیم پس از انقلاب، اسلامی وارد صداوسیما شد و مدیریت برنامه ی کودک این سازمان را برعهده گرفت. رحماندوست در سال ۱۳۶۹ کارشناسی ارشد ادبیات را در دانشگاه آزاد اسلامی ادامه داد و در مراسم «هزاره ی فردوسی دکترای افتخاری پژوهش ادبی را دریافت کرد. مصطفی رحماندوست، در اواخر دوره ی دانشجویی اش، با «ادبیات کودک و نوجوان» آشنا شد و تصمیم گرفت که در این حوزه فعالیت کند؛ او بیش از ۳۳ سال است که بی وقفه برای کودکان کار می کند (حداد، 1371: 3).

ه: افسانه شعبان نژاد

افسانه شعبان نژاد اول اردیبهشت ماه 1342، در شهداد از توابع کرمان و در خانواده ای با ذوق و قریحه ادبی به دنیا آمد. نام پدر او، محمود بود که به کار در نخلستان و نیز باغبانی می پرداخت. مادر وی نیز خدیجه غضنفری معروف به بی بی شوکت بود. آنان 8 فرزند داشتند که افسانه کوچکترین فرزند خانواده بود. پدر و مادر افسانه، تحصیل کرده و باسواد بودند و هر دو با اشعار حافظ، سعدی و مولانا آشنایی داشتند. افسانه از کودکی به خواندن شعر و کتاب علاقه مند بود. او تا 4 سالگی در شهداد بود و بعد از آن در شهر کرمان تحصیل کرد. او پس از گذراندن دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان در مدارس «زند»، «معین» و «کیخسرو شاهرخ» در شهر کرمان، و اخذ دیپلم علوم تجربی، توانست کارشناسی خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم دریافت کند. سپس کارشناسی ارشد خود را در زمینه ادبیات نمایشی در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد به پایان رساند. و بعد از آن به مدرک درجه یک هنری در رشته ادبیات داستانی و شعر (دکترای هنر) از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دست یافت. افسانه شعبان نژاد دارای یک فرزند دختر به نام وحیده و یک فرزند پسر به نام عرفان است که در خارج از کشور زندگی می کنند. دختر او در رشته موسیقی تحصیل کرده است (موسوی گرمارودی، 1381: 28).

الف: انقلاب و شهادت

«مثل غنچه بود آن روز
غنچه ای که روئیده
در هوای بهمن ماه
بر درخت خشکیده
مثل آب بود آن روز
آب چشمه ای شیرین
چشمه ای که می بیند
مرد نشنه غمگین
گرچه در زمستان بود
چون بهار بود آن روز
سرزمین ما ایران
لاله زار بود آن روز
روز خنده ما بود
روز گریه دشمن
روز خوب پیروزی

بیست و دوم بهمن» (رحماندوست، 1390: 113)

در این شعر شاعر به انقلاب و زیبایی های آن اشاره می کند و آن را همچون غنچه ای می داند که بر درختی خشکیده سبز شده است و همچون آبی شیرین می داند که مردی غمگین از دور می بیند و خوشحال می شود. باز هم اول مهر آمده بود

و معلم آرام

اسم ها را می خواند

اصغر پور حسین!

پاسخ آمد: حاضر
 قاسم هاشمیان
 پاسخ آمد: حاضر
 اکبر لیلا زاد...
 پاسخش را کسی از جمع نداد
 بار دیگر هم خواند:
 اکبر لیلا زاد
 پاسخش را کسی از جمع نداد
 همه ساکت بودیم
 جای او اینجا بود
 اینک اما تنها،
 یک سبد لاله سرخ
 در کنار ما بود
 لحظه‌ای بعد، معلم سبد گل را دید
 شانیه‌هایش لرزید
 همه ساکت بودیم
 ناگهان در دل خود، زمزمه‌ای حس کردیم
 غنچه‌ای در دل ما می جوشید
 گل فریاد شکفت
 همه پاسخ دادیم: حاضر!
 ما همه اکبر لیلا زادیم! (امین پور، 1385: 27).

ب: تعلیم و تربیت

من که از گل بهترم

پسرم، من پسرم

در دبستان همه را

مثل خود می شمرم

مادر از من راضی است

هست راضی پدرم (یمینی شریف، 1345: 75).

در این شعر شاعر ضمن اشاره به جنسیت پسر بودن به موضوعاتی چون تواضع و برتر نپنداشتم خود، احترام و رضایت پدر و مادر اشاره می‌کند.

ج: دوستی و رفاقت

کیوتره به دوست می خواست

داد زد و گفت: «بقو بقو»

کی دوست من میشه ، بگید

گنجشکه اومد پیش او

گنجشکه گفت: اما فقط

من جیک و جیک جیک بلدم

بق بقو یادم بده

حالا که پیشت اومدم (شعبان نژاد، 1390: 28).

در این شعر شاعر دوستی و رفاقت را به صورت یک داستان و گفتگو که بین کبوتر و گنجشک اتفاق افتاده است، به تصویر می‌کشد. براساس این داستان اصل دوستی بر این است که با هم همدل و همراه باشند.

دوست های خوب، سلام و لبخند دارن

دل هاشونو برای هم میارن

با همدیگه دست میدن و شاد میشن

یکدفعه از تنهایی آزاد میشن (کشاورز، 1392: 4)

در این شعر شاعر به توصیف دوست خوب و رابطه دوستی درست اشاره می‌کند که با استفاده از شعر به آموزش اینکه دوستی باید به گونه‌ای باشد که بتواند تو را از تنهایی رها سازد و همچنین در دوستی لازم است از هر کاری برای کمک به همدیگر بهره جست، اشاره دارد.

د: درباره کتاب

من یار مهربانم
دانا و خوش زبانم
گویم سخن فراوان
با آنکه بی زبانم
پندت دهم فراوان
من یار پند دانم
من دوستی هنرمند
با سود و بی زیانم
از من مباش غافل

من یار مهربانم (یمینی شریف، 1390: 19).

در این شعر شاعر به اهمیت کتاب و کتابخوانی اشاره دارد و کتاب را دوستی بی نظیر و بدون زیان معرفی می کند که چیزهای زیادی به انسان می آموزد.

و: باز شدن مدرسه ها (اهمیت دانش)

سلام به صبح و خورشید
سلام به سبزه و آب
هزار، هزار بار سلام
به ابر و باد و آفتاب
سلام به آموزگار
که خوب و مهربان است
درود، درود به او که
همیشه خوش زبان است
سلام به یک روز خوب،
روز دعا، نیایش
قدم، قدم، قدم رو

به سوی علم و دانش (قاسم نیا، 1388: 36)

در این شعر شاعر به شور و شوق و شادی در اوایل مهر ماه که زمان بازگشایی مدارس است، اشاره دارد و همچنین مهربانی و خوش زبانی و صبر و حوصله معلم در آموزش را می ستاید.

بررسی شاعران حوزه ادبیات اردو**الف: افسر حمیدالله**

نام حمیدالله افسر میرثی نیز مانند اسماعیل میرثی در ردیف «آفرینندگان ادبیات کودکان» قرار دارد و از این رو به خوبی از روانشناسی و عادات و شخصیت آنان آگاه بوده است فقدان ادبیات سالم برای کودکان، ضمن در نظر گرفتن الزامات ادبیات کودک، اشعار مؤثری سروده است که احساس مین دوستی و وحدت ملی را بیدار می کند. دکتر نورالحسن هاشمی می نویسد. او در داستان ها یا شعرهایی که برای کودکان می نوشت موفق بود؛ زیرا نوعی معصومیت در ذات خود داشت که او را به احساسات کودکان نزدیک می کرد. حاضر بود حتی روی این چیزهای کوچک هم بنویسد. که برای کودکان مهم است الف این گفته نورالحسن هاشمی صد در صد صحیح است و گواه زنده آن اشعار حمیدالله افسر است.

ب: محمد اقبال

اگر قرن بیستم را عصر طلایی ادبیات کودک بنامیم نادرست است؛ زیرا در اواخر قرن نوزدهم هنرمندان بزرگی مانند آزاد و اسماعیل میر مسئولیت کتاب های درسی برای کودکان را بر عهده گرفتند. در آنجا، آفرینندگان مهم قرن بیستم، سرمایه های ادبیات غیردرسی کودکان را بسیار افزایش داده اند، شاعر، متفکر و روشنفکری مانند محمد اقبال نیز شعرهای زیادی برای کودکان سروده است و از طریق اشعار خود به رشد اندیشه های کودکان هندی کمک کرده است. اشعار فیلسوف، شاعر، متفکر و ملت با نام ملت (لاهور) در شماره ژانویه 1902 منتشر شد و بعداً در کتاب منتشر اقبال به چاپ رسید. اقبال به روانشناسی کودکان توجه داشت. اقبال برای کودکان شعرهای اخلاقی و میهنی می سرود و از انگلیسی بسیاری از اشعار و معانی مفید از طریق ترجمه اخذ و به اردو ترجمه شده است. او می خواست اینگونه ذهن کودک را بسازد. که به وسیله آن می تواند انسانی آگاه به خدا، صادق، آزادی خواه، دلسوز باشد. مقاله ها گواه آن است که اقبال از ابتدا به تعلیم و تربیت کودکان اهتمام داشت و به روانشناسی کودکان چشم و هم چشمی داشت. اقبال برای کودکان شعرهای اخلاقی، اخلاقی و میهنی می سرود. و از انگلیسی بسیاری از اشعار معنی مفید از طریق ترجمه اخذ و به اردو ترجمه شده است (دسنوی، 1976).

ج: خواجہ الطاف حسین حالی

خواجہ الطاف حسین حالی موضوعات بسیاری را در ژانرهای مختلف نظم و نثر تجربه کرده است. او نقش برجسته ای در موفقیت جنبش سید داشت. در این راستا رفاه جوانان ملت چشم انداز آرمانی آنهاست. حالی یک ملت اصلاح شده بود. بیشتر عمرش صرف آموزش و پرورش شد. حالی شعرهای زیادی برای بچه ها سروده است «لادلا سون»، «راستی و امید» و... از این دست است. زبان او در شعر زنده تر، آسان تر، جذاب تر و معبدی تر است، او از کلمات ساده و زیبایی هندی در اردو با صراحت استفاده می کند. مخصوصاً «عشقیه میهن پرستی» رشته هایی از واژه های متقارن است که در زیر آورده شده است روحیه میهن پرستی و ناسیونالیسم در کودکان که بیانگر این است که حالی عشق بی اندازه به وطن خود داشته است در شعر معروف خود "حب وطن من دوست دارم کشور" راه عشق واقعی را بیان کرده است و می گوید که عشق واقعی کشور مال خود شخص است.

الف: طبیعت و حیوانات

در شعر زیر شاعر به زیبایی های کرم شب تاب اشاره کرده و آن را به تصویر کشیده است.

جگنو کی روشنی ہے کاشانہ چمن میں
یا شمع جل رہی ہے پھولوں کی انجمن میں
ایا ہے آسمان سے اڑ کر کوئی ستارا
یا جان پڑ گئی ہے مہتاب کی کرن میں
یا شب کی سلطنت میں دن کا سفیر آیا
غربت میں آگے چم کا گمنام تھا وطن میں

(محمد اقبال)

ب: احترام به خود

در شعر زیر شاعر اشاره دارد به اینکه اگر می خواهی دیگران به تو ارزش و احترام دهند، لازم است ابتدا خودت به خودت ارزش و احترام بدهی:

کرو دوستو پہلے آپ اپنی عزت
فراغت سے دنیا میں دم بھر نہ بیٹھو
جہاں، رام ہوتا ہے میٹھی زبان سے
مصیبت کا ایک اک سے احوال کہنا
ہوچا ہو کریں لوگ عزت زیادہ
اگر چاہتے ہو فراغت زیادہ
نہیں لگتی۔ کچھ اس میں دولت زیادہ
مصیبت سے ہے یہ مصیبت زیادہ
(الطاف حسین حالی)

ج: احترام به بزرگترها

در شعر زیر شاعر اشاره دارد به اینکه در خانه به محض اینکه کودک چشمانش را باز می کند پدر و مادر را می بیند که شبانه روز از او مراقبت می کنند. معلوم است که مادر، سایر اعضای خانه، پدربزرگ، مادربزرگ، پدر، خواهر، برادر و... او را ناز می کنند و کودک نیز با آنها بسیار آشنا و صمیمی می شود. وقتی کودک وقتی بزرگ شد به مدرسه می رسد، لطف و نصیحت معلمش را دریافت می کند. در اینجا کودک با احساس عشق و همچنین احترام و فداکاری آشنا می شود. اشعار بیان عواطف و احساسات او در مورد چنین موجودات دوست داشتنی ای است:

امان مجھ کو پیار کریں
جب اسکول سے آؤں میں
جلدی جلدی نہاؤں میں
اور پھر کھیلنے جاؤں میں
پیاروں کی بھر مار کریں
تب بھی مجھ کو پیار کریں
تب بھی مجھ کو پیار کریں
تب بھی مجھ کو پیار کریں
امی مجھ کو پیار کریں
(حامد اللہ افسر)

د: بازی و طبیعت گردی

در این شعر به ذوق و شوق کودکان به هنگام رفتن به باغ وحش اشاره شده است و به صورت پنهان کودکان را به بازی کردن تشویق و ترغیب می کند.

اک دن بی نجمہ کی نانی
ال اس گڑیا کا کیا کہنا تھا
چھیب تھی اس کی نیاری سب سے
لاٹیں اک گڑیا جاپانی
رنگ نیا تھا روپ نیا تھا
گڑیا تھی یہ پیاری سب سے
(شفیع الدین نیر)

نتیجہ گیری

ادبیات کودک و نوجوان از سده های گذشته تا به امروز دستخوش تغییرات و تحولات فراوانی شده است. این ادبیات به عنوان پلی میان دنیای کودکان و مفاهیم پیچیده جامعه ای ایران، همواره کوشیده است تا با خلق داستان ها و شعر های مناسب،

به پرورش تخیل و آموزش غیرمستقیم کودکان بپردازد. احساس نیاز به وجود ادبیات کودک و نوجوان به زبان اردو از مدتها پیش تقریباً از اواخر دهه 1860 میلادی آثار خود را نشان داد و براساس تحقیقات مشخص شده که اولین مطلب کودکان و نوجوانان کتاب مرآت العروس نوشته نظیر احمد بوده است. مطالب این کتاب برای دختران نوجوان دم بخت بسیار آموزنده بود؛ زیرا با خواندن آن بهتر می توانستند با مشکلات زندگی بزرگسالی و زندگی متاهلی دست و پنجه نرم کنند. این نویسنده دو کتاب دیگر هم به نامهای قند و پند برای پسرش و منتخب الحکایات در سال 1869 برای دختر کوچکترش نوشت. این پژوهش که به بررسی تطبیقی محتوا در دو گروه ادبیات کودک و نوجوان در زبان فارسی و اردو می پردازد نتایج را در بر دارد، نتایج پژوهش حاضر بیانگر این است که با وجود تفاوت های زمانی و تعداد شعرا در دو زبان اردو و فارسی، هر دو زبان به نیازهای کودک توجه داشته اند و سعی کرده اند همه مسائل اجتماعی و مورد نیاز کودک را در شعر بگنجانند. مسائلی چون اهمیت تعلیم و تربیت، احترام به والدین و احترام به خود، اهمیت بازی و گردش برای کودکان، انقلاب و شهادت، از جمله مسائلی است که مورد توجه بوده است.

منابع و مأخذ

- اقبال، محمد (2007) کلیات اقبال (اردو)، علامه اقبال اکادمی پاکستان، لاهور، طبع هشتم.
- امین پور، قیصر (1385)، گزیده اشعار، تهران: جنگل.
- جلالی، مریم، شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان از مشروطه تا سال 1385، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد، 1389.
- حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی ها و جنبه ها، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، 1385، چاپ نهم، ص 31.
- رحماندوست، مصطفی (1390)، سرودهای انقلاب، تهران: قاصدک.
- شعاری نژاد، علی اکبر، ادبیات کودکان، تهران، مؤسسه اطلاعات، 1370، چاپ پانزدهم، ص 37
- شعبان نژاد، افسانه (1390)، خوشحاله خاله جیک جیکی، تهران: ققنوس.
- کشاورز، ناصر (1392)، کلاس سوم من، تهران: قاصدک.
- محمدی، محمد هادی و زهره قانینی، تاریخ ادبیات کودکان ایران، تهران، بنیاد پژوهش های تاریخ کودکان ایران، 1379، ج 4، ص 40.